

هو الله تعالى

یا اسم جود علیک بهائی عبد حاضر مکتوبیکه بنام آنجناب بود تلقاء وجه عرض نمود و ندای مظلوم‌های آفاق اصغا شد فی‌الحقیقه بعضی از ناس بدست خود غضب الهی را خریده‌اند بعضی را اخذ نمود و برخی را هم اخذ فرماید آنه علی کلّ شیء قدیر جمیع اشیاء بر مظلومیت اهل حقّ نوحه نمودند و جمیع را حزن احاطه کرده ظلم‌هاییکه در اینکړه من غیر سبب وارد شده بمثابه اشجاری است که غافلین بایادی خود غرس نموده‌اند و زود است که اثمار آنرا مشاهده نمایند

سم علیه بهائی عنایت حقّ فائز بوده و هستند و در سیل حقّ وارد شد بر او آنچه که جز علم الهی او را احاطه ننموده در باره امور عدد نوزده ۱۹ بگوید الهی ترانی منقطعاً الیک و متمسکاً بک فاهدنی فی الأمور ما ینفعنی لعزّ امرک و علوّ مقام احبّائک و بعد تفکر نمایند در امور آنچه بنظر آمد مجری دارند این شدّت اعدا را از عقب رخائی است عظیم یا اسم جود بعضی از نفوس مشاهده میشوند حزنشان سبب حزن حقّ جلّ جلاله بوده و هست و کذلک سرورشان علّت سرور حقّ ندای دو الف و شین از سجن رسیده اما الأوّل فهو العنْدلیب علیه بهائی من شطر الرّاء و الشّین قد ورد علیه ما ورد علی مبشّری فی السّجن حضرت اعلی روح ما سواه فداه را در ارض تاء مع جمعی حبس نمودند و سطوت ظلم احبّا را چنان اخذ نمود که از آنحضرت بر حسب ظاهر اعراض نمودند مگر یکنفس که عرض کرد یا سیدی انّی احبّ ان اکون معک فی الرّقیق الأعلی و الأفق الأبهی آن نفوس هم بعد از انقضاء شهر معدوده بکمال خضوع و ابتهاج شدند و توبه ایشان مقبول و عنایت کبری فائز هنیئاً لهم آنه يعلم کیف رجعوا و کیف قدّسهم و کتب لهم من قلمه الأعلی یا اسم جود لو لا کتاب سبق من عندنا لأرینا الغافلین و الظّالمین اینا اعلی و اقدر در این ظهور اعظم ملاحظه نموده‌اید که چه مقدار از اعدا را بقوّه عظیمه اخذ نمود مع ذلک احدی متنبّه نشد و کلّ از باده غفلت مدهوشند و از شطر رحمت الهی بعید و لکن عالم بظلم حامله شده سوف یرون الظّالمون ما عملوا فی ایام الله المهیمن القیوم یا عندلیبی قد کنت مغرّداً علی الأفنان فی ربیع ربّک الرّحمن جهره و لک ان تغرّد فی السّجن سرّاً الی ان یأتیک الله بفرجه و رحمته و عنایت و فضله و جوده و احسانه

و اما الف و شین ثانی علیه بهائی از ارض الف و باء ندایش رسید قد اخذه الظّالمون و ادخلوه فی السّجن الا انّهم فی خسران مبین غفلت این همج رعاع بمقامی رسیده که در قرون اولی و اخری تفکر نمینمایند یتبعون اهوائهم و یظنون انّهم من العارفین یشهد بجعلهم کلّ الاشیاء و عن ورائها لسان الله المقتدر العلیم الحکیم یا اسم جود جناب سم علیه فضلی و رحمتی لدی الباب قائم قل ربّ افْرِغْ علی من احبّک و یحبّک صبراً انک انت المقتدر القدیر اگرچه الحمد لله بطراز صبر فائز است و لکن این ذکر اظهار عنایتی است از مظلوم عالم نسبت باو باید چندی ارسال مراسلاترا از جهتین ستر نمایند بشأنیکه از اهل بیت هم مستور دارند و اگر بجناب عندلیب هم بخواهند تفصیلی بنویسند باو هم امر بستر نمایند طوبی لمن عمل بما امر به من لدی المظلوم و نعیماً لمن فاز بطاعة الله ربّ العالمین

یا اسم جود جناب شیخ علیه رحمتی بزحمت افتاده و لکن چون قصدش لله بوده و برضا و امضا واقع شده مبارک بوده و خواهد بود و آنچه مواجهه بشما امر نمودیم باو بنویسید انشاءالله موفقند در امور آنچه الیوم لازم است آنکه در ارسال و مرسول مکاتیب ملاحظه نمایند و حکمترا در هیچ حال از دست ندهند هذا ما وصّیناه به من قبل و فی هذا المقام الأرفع المنیع